



کارگران و قدرت سیاسی



۲۵ فوریه ۱۸۴۸ تجمع کارگران در برابر شهرداری پاریس

کارگران از این راه اعمال میکنند، اما شرایط تولید توسط سرمایه دار است که تعیین می شود. این بدین معنی است که فقدان کنترل بر ابزار تولید و توزیع حتی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته که کارگران از مزایای بیشتری به نسبت همقطاران خود در کشورهای در حال توسعه برخوردارند، تغییری در موقعیت شان بعنوان کارگر مزد بگیر که سرنوشت شان توسط سرمایه داران تعیین می شود، نمی کند.

افزایش بحران سرمایه داری در هر دو عرصه ملی و جهانی، نشان از این دارد که سرمایه در تعریف خود بعنوان یک نظام سیاسی - اقتصادی به پایان خود نزدیک می شود. در شرایطی که در نتیجه پیشرفت این بحران ها، بیکاری افزایش یافته و درآمدها یارای رقابت با هزینه ها را ندارد و کمرشکن شده است، فقر، سفره خود را در خانه اکثریت انسانها بی دریغ گشوده است، این بیانگر آن است که سرمایه در حال حاضر برنامه مشخص و مطرح شده

کارگران و قدرت سیاسی

" طبقات اجتماعی فرو می پاشند و ارزش های تاریخی دور انداخته می شوند. طبقات اجرائی، طبقات سازنده تبدیل به طبقات اداره کننده می شوند، آنان صاحب اختیار خود شده اند و در درون خود، انسان های نمونه ای یافته اند، انسانهایی که باید قدرت دولت به آنها سپرده شود."

بخش اول

در چارچوب مناسبات کار و سرمایه که مفهوم جامعه ما را ترسیم میکند، کارگران بعنوان تولید کنندگان بر روند تولید و محصول کار خود هیچگونه کنترل مستقیمی ندارند. در مواردی همچون مبارزه برای افزایش دستمزد و یا خواسته های صنفی شکلی از دخالتگری و کنترل غیر مستقیم را

سراسر جهان می توان به بررسی نشست . به همین منظور است که نشریه کنترل کارگری سعی بر این دارد که با جمع آوری تجارب کارگران در هر گوشه این جهان در زمینه اشغال کارخانه ها و اعمال نظارت و کنترل بر تولید و توزیع ، تا حد توان به بررسی موارد مشخص و تاریخی آن بپردازد. در این ارتباط در ۱۲ شماره منتشر شده، بجز شماره اول آن که هدف نشریه را ترسیم میکند، تلاش هایی صورت گرفته است و در دو شماره هم به تلاش کارگران ایران در شرایط انقلابی سال ۱۳۵۸ اشاره کرده ایم، سعی بر این است که در شماره های آینده در مورد تجارب کارگران جهان و بویژه ایران در ارتباط با اشغال کارخانه ها و اعمال کنترل کارگری از طریق شوراهای مستقل کارگران بیشتر و مشخص تر پرداخته شود. در هر شماره از نشریه کنترل کارگری بخشی از این مطالعات و ترجمه ها منتشر خواهد شد.



نگاهی اجمالی به تفاوت های کنترل کارگری و مشارکت کارگری

در اینجا بطور اجمالی نگاهی میاندازیم به شوراهای کار با نقش کنترل کارگری، یعنی کنترل تولید، مدیریت و توزیع توسط کارگران و تفاوت آن با دموکراسی صنعتی و مشارکت کارگری، آنچنان که در کشورهای صنعتی پیشرفته غربی معمول است. کنترل کارگری در واقع بر این استوار است که قدرت سیاسی برای تشکیل حکومت کارگری بواسطه قدرت کارگر از طریق کنترل کارگری بر تولید، توزیع و مدیریت زمینه سازی می شود. دموکراسی صنعتی و مشارکت کارگری، نقش کارگران را به مشاوره با مدیریت کارخانه تقلیل می دهد. بدین معنی که در دموکراسی صنعتی با حذف کنترل کارگری بر تولید و توزیع و دادن نقش مشاور به کارگران و واگذاشتن اتخاذ تصمیم گیری (مدیریت) بر روند پروسه تولید و توزیع مدیران سرمایه، در واقع تشویق کارگران به پذیرش تداوم

ای برای خروج از بحران کنونی را ندارد، از این رو با دامن زدن به جنگ، نژادپرستی و اختلافات قومی مذهبی سعی دارد تا نگاه ها را از مسئولیت خود در قبال این ناهنجاری ها و فجایع دور نگهدارد تا شاید در آینده نزدیک راه حل موقتی برای برون رفت و یا کاهش بحران کنونی بیابد. اما آنچه آشکار است، اینست که نظم فعلی تولید و توزیع دیگر قادر به برطرف کردن نیازهای ابتدائی انسان ها نیست. بنابراین اگر نظام فعلی در شرایط کنونی هنوز هم پا برجاست، دست کم به دو دلیل مشخص است، اول اینکه بدیل بلافصلی در برابر خود نمی بیند و دوم اینکه تحت حفاظت نیروی سرکوب خود (ارتش، پلیس ، رسانه ها و نهادهای دست ساز خود همچون سازمان گروه های ملی (NGO) و سازمان بین المللی کار (ILO)) در هر دو عرصه ملی و بین المللی هنوز هم میتواند به حیات خود ادامه دهد. برای برهم زدن بساط سرمایه، نظم کنونی پروسه تولید و توزیع سرمایه، باید که بتوسط کارگران و نشان دادن قدرت ابتکار عمل در این پروسه برای بیرون کشیدن آن از دست سرمایه داران ، تغییر یابد. آنچه مشخص است برای کارگران هم ادامه این شرایط امکان پذیر نیست و بقول گرامشی : " مبارزه طبقاتی در لحظه ای معین به مرحله ای می رسد که در آن طبقه کارگر در رعایت قانون بورژوازی، یعنی در ساز و برگ دولت بورژوازی (نیروهای مسلح، دادگاهها، تقسیمات اداری) و در ضمانت و حمایت از حق ابتدائی خود برای زندگی، آزادی، امنیت شخصی و نان روزانه، دیگر هیچ چیزی نمی یابد. آنگاه ناگزیر می شود قانونیت خاص خودش را خلق کند. در لحظه های معینی از زندگی مردم این یک ضرورت تاریخی است که فراسوی تمام آرزوها، امیال و انگیزه های شخصی جای میگیرد. " ، راه اساسی برون رفت از این بحران برچیدن نظام سرمایه داری است و برای این منظور کارگران نیاز دارند که در مسیر اعتراضات و مبارزات خود از محدوده خواسته های صنفی فراتر رفته و با اشغال کارخانه ها کنترل تولید و توزیع را در اختیار خود بگیرند و بر مدیریت سرمایه نظارت کنند. کنترل کارگری بر تولید و توزیع و نظارت بر مدیریت سرمایه زمینه ساز انقلاب سوسیالیستی و برچیدن نظام سرمایه می شود. اما پرسش مشخص در این مورد این است که، آیا کارگران تجربه مدیریت و تشکیلات مناسب اعمال آنرا دارند؟ آیا طبقه کارگر تجربه کار مستقل در مدیریت و سازماندهی شرکت ها و کارخانجات بزرگ اقتصادی و مدیریت اجرایی را دارد؟ آیا لازم است که ارگانهای لازم برای این کار را بوجود بیاورد؟ برای بدست آوردن پاسخی به این پرسش ها، در رابطه با مدیریت که یک مشخصه اجرایی در نظام سرمایه داری است، را در تجارب تا کنونی کارگران و دهقانان در

تصمیمی که در انتها به شکست جنبش کارگری ایتالیا، حذف حزب سوسیالیست از معادلات سیاسی این کشور و پا گرفتن غول فاشیسم در ایتالیا بود و در همین شرایط و در زمان طرح جیولیتی و سیاست های اتخاذ شده از طرف حزب سوسیالیست ایتالیا بود که گرامشی در برخورد با این طرح آنرا سیاستی برای به انحراف کشاندن مبارزات کارگری دانست و اعلام کرد که مهم ترین مسئله حاضر، مسئله اعمال قدرت کارگری بر وسایل تولید و در نتیجه دستیابی به قدرت دولتی است و اینکه منشا قدرت کارگری در درون خود طبقه کارگر است.

سیاست های اشتباه حزب سوسیالیست ایتالیا در زمانی که کارخانه ها به اشغال کارگران در آمد، تاثیر خود را در روند اشغال کارخانه ها و پیشبرد امور نشان داد. محدود ماندن اشغال و اعمال کنترل کارگری در کارخانه ها و عدم گسترش آن به سایر واحد های کارگری، دهقانان و عدم برخورد با مسائله قدرت سیاسی، آینده این جنبش عظیم کارگری را تیره و تار میکرد.

امیلیو کلمبینو از رهبران شناخته شده اتحادیه کارگران فلزکار در روزنامه آوانتی (به پیش) در ۴ سپتامبر ۱۹۲۰ می نویسد: " نخستین چیزی که انسان را در میلان تحت تاثیر خود قرار می دهد پرچم های سرخی است که بر بالای دودکش ها در اهتزاز است. در تورین حتی امروز که چهارمین روز جنبش اشغال ماست، نشانه های پیروزی در خارج از کارگاهها بسیار اندک است. گاه به گاه یک پرچم سرخ یا نگیهان تنها بر روی دیوار دیده می شود، اما تمام نیروی کارگران در داخل کارخانه ها متمرکز شده است. آنچه را که کارگران ترجیح می دهند متمرکز کردن تمام توان خود روی سازماندهی کار، چه در کارخانه های منفرد و چه در مجتمع های صنعتی است." در تمامی این شرایط پلیس بطور کلی از کارخانه ها فاصله گرفته بود و فقط دورادور مراقب اوضاع بود و بیشترین تمرکز خود را بر محافظت از بانک ها و دفاتر بخش های تجاری - مالی دیگر متمرکز کرده بود. شورای کارگران در بیانیه ای متذکر شده بود که " اگر سایر کارگران صنعتی به کمک همزمان کارگر فلزکار خود بیایند، اشغال گسترش و ادامه خواهد یافت. مبارزه کارگران فلزکار عصر تازه ای را در مبارزات طبقاتی آغاز کرده که فقط با برقراری کنترل روی تمام تولید پایان خواهد گرفت." در بیانیه ای دیگری از شورای کارگران آمده بود: " کارگران تصمیم داشتند ثابت کنند که آنان می توانند برای آزاد ساختن انسان از چنگال سرمایه داری، خستگی، درد و خطر را به هیچ گیرند و آن را تحقیر کنند."

در جنبش کنترل کارگری در پرتغال (۱۹۷۵) آنچنان که از گزارشات کمیسیون راسل (متشکل از عضو هیئت تحریریه بولتن موسسه کنترل کارگران، روسای دو حوزه اتحادیه

استثمار خود در نظام سرمایه و همزیستی مسالمت آمیز در این ساختار است. این بدین معنی است که سرمایه داری بواسطه مدیریت خود در کارخانه و دولت، در واقع کنترل خود را بر کارگران اعمال میکند و به آن تداوم می بخشد.

با در نظر گرفتن شرایط کنونی کارگران در ایران که طرح مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه سالها پیش اعلام شده است و " ظاهرا " تحت نام " مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران " اجرایی هم شده و " کارگران سراسر کشور را برای پیوستن به کمپین کار شایسته و مزد منصفانه " دعوت می کند، نمونه خوبی است که نشان می دهد در طی این سالها نه تنها اوضاع کارگران در زمینه های داشتن قرارداد های ثابت، جلوگیری از اخراج و بیکاری، افزایش دستمزد برحسب نرخ تورم، بهتر شدن شرایط محیط کار و ایمنی آن و امثالهم، بهبودی پیدا نکرده بلکه در تمامی این سالها کارگران نه تنها اخراج و بیکار شده اند، بلکه بیشتر کارگرانی که هنوز کار می کنند، ماههاست که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و هر زمان هم که دست به اعتراض زده اند یا از کار اخراج و یا بشدت سرکوب و بازداشت شده اند.

دیدگاه مشارکت کارگری در اشکال مشارکت در مدیریت، مشاوره و حتی در برخی جاها خودگردانی محدود، در فرم دموکراسی صنعتی همواره توسط نظریه پردازان سرمایه، رفرمیست ها و سوسیال دموکرات ها، سندیکالیست ها تبلیغ می شده است و اکنون هم، اینگونه نظرات در دستور روز قرار دارد. در تاریخ مبارزات کارگری در اروپا نمونه های زیادی از تلاش های کارگران در مبارزه برای دستیابی به خواسته های خود و در مقابل تلاش سرمایه داری و عوامل آن برای محدود کردن تلاش کارگران در چهارچوب نظم سرمایه را می توان بر شمرد. آلمان، ایتالیا، پرتغال چند نمونه از این تلاشها است. طرح " مشارکت کارگران در مدیریت " در ایتالیا ۱۹۲۰ و در اوج مبارزه کارگران فلزکار که در بیشتر کارخانه های ایتالیا دست به اشغال و اعمال کنترل کارگری زده بودند، توسط نمایندگان بورژوازی در مجلس این کشور طرح شد.

این طرح که توسط جیوانی جیولیتی (رئیس دولت لیبرال وقت) و با پشتیبانی اتحادیه سی جی ال (CGL) ارائه میشد کنترل کارخانه ها را از طریق اتحادیه ها مد نظر داشت که محتوی آن نقش مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه را مشخص میکرد و آنان را از اشغال کارخانه ها و دخالت در مدیریت قدرت سیاسی (دولت) بدور نگاه میداشت. این طرح همزمان با تصمیم اشتباه و تاریخی حزب سوسیالیست ایتالیا که در یک رای گیری، انجام یک انقلاب سوسیالیستی را منتفی دانست و در واقع از حرکت کارگران پشتیبانی نمی کرد، رخ می داد،

شود و در مورد امکان بازگشایی آن با کمک دولت گفتگو می کنیم. در بخش دولتی، کلیه صنایع اصلی دولتی باید به شکل همکاری در مدیریت اداره شوند. همکاری در مدیریت از دیدگاه کارگران چیز خیلی ساده ای است. ما خواهان قدرت و مشارکت در مدیریت کارخانه هستیم برای اینکه شغل های جدید ایجاد گردند و تضمین شود که ثروت به مردم می رسد و نیز فساد ریشه کن گردد. " این دیدگاه در قرن بیست یکم مطرح میشود که در آن حق کارگران را در حد مشارکت و همکاری در مدیریت کارخانه نگاه میدارد و عملاً به پابرجایی مناسبات اجتماعی تولید و استثمار کارگران یاری میرساند، مگر اینکه دولت کنونی ونزوئلا را یک دولت سوسیالیست با ماهیت کارگری بدانیم.

نکته جالب توجه اینست که تداوم و تکرار طرح این نوع دیدگاه ها در تاریخ مبارزات کارگران و در شرایط بحران سرمایه داری، برای تخفیف بحران و پیشگیری از امکان انقلاب کارگری، توسط رفرمیست ها مطرح میشود. بطور نمونه اگر کمی به عقب برگردیم در آلمان دوره بیسمارک، حزب کارگران آلمان در برنامه خود با اعلام اینکه " این حزب با توسل به تمامی شیوه های قانونی برای دولت آزاد و جامعه سوسیالیستی، یعنی اضمحلال نظام مزدی همراه با قانون آهنین مردها و محو هر نوع استثمار و نابودی هرگونه نابرابری اجتماعی و سیاسی مبارزه میکند." در واقع به کارگران اعلام کرد که مبارزه طبقاتی تعطیل و از این پس از مجراهای قانونی و با مساعدت دولت بورژوازی، بسوی جامعه آزاد و سوسیالیستی حرکت میکند!!! این دیدگاه اجداد چپ های رفرمیست و سوسیال دموکرات های فعلی است که امروزه با همین استدلال با کمی چاشنی مدرنیسم، طبقه کارگر را به ترک مبارزه طبقاتی تشویق میکنند و از آنها میخواهند که در راه بدست آوردن خواسته های خود پا را از محدوده و چارچوب قوانین سرمایه داری فراتر نگذارند و از راه سندیکاها و اتحادیه های زرد و برخی حتی دولتی با مشارکت در مدیریت کارخانه، درخواست های خود را ارائه کنند و چون ظاهراً سرمایه داری دوران زوال خود را طی می کند، این بیمار رو به موت را کاری نداشته باشند چرا که در آینده پس از این زوال است که جامعه سوسیالیستی بدون هیچ دردسر و بریز و بیاشی در جهان پا خواهد گرفت و همه انسانها از بند استثمار و بردگی رها خواهند شد!!! این نوع درک سالهاست که دارد تبلیغ می شود و در اشکال متفاوت در کشورهای پیشرفته صنعتی عملکرد داشته است. بدین معنی که احزاب چپ رفرمیست با تشویق کارگران به ترک مبارزه طبقاتی، طرح مشارکت در مدیریت تحت نظریه دمکراسی صنعتی، تقلیل درخواست های کارگران به مسائل صنفی و کمک به شکل گیری اتحادیه ها و

ملی معدنچیان در انگلیس) برمی آید، این جنبش هم در انتها بدلیل محدود و محلی ماندن عمل کنترل کارگری و رفرمیسم حاکم بر احزاب چپ این کشور که آینده خود را بدست نتایج انتخابات بورژوازی داده بود، بدون آنکه در نظر داشته باشد که اینگونه انتخابات اصولاً بدلیل ماهیت سرمایه داری خود نمی تواند مسائل را بشکل ریشه ای حل کند و در بهترین حالت خود، تداوم استثمار کارگران در شکل دیگر خواهد بود. بطور نمونه اینکه پس از انتخابات ۲۵ آوریل ۱۹۷۶ که به شکل گیری دولت جدید انجامید (در مجموع احزاب چپ بیشترین آراء را بدست آوردند)، در بخش اساسی قوانین کار بطور مشخص آمده بود که " در مقابل اخراج اشتباهی، کارگران نمی توانند درخواست تجدید نظر بکنند " و در واقع کارگران اعتصابی و خانواده های آنان امنیت اجتماعی و تامین مالی ندارند.

در مطالب بعدی بیشتر به جزئیات برخی از این تجارب بازخواهیم گشت. اما دلایلی چند که در شکست این تجربه نقش اساسی داشتند یکی محلی باقی ماندن عمل کنترل کارگری و عدم گسترش آن به سطح ملی بود، بدین شکل که کنترل کارگری با اینکه بشکل گسترده ای انجام پذیرفته شده بود، اما بیشتر در محدوده واحدهای تولیدی متمرکز شده بود. مراکز توزیع، موسسات مالی و بنگاههای تجاری دست نخورده باقی مانده بودند، به مسئله قدرت سیاسی برخورد نشده بود و نقش دولت را در معادلات دست کم گرفته بودند و همه این عوامل و افزون بر آن سیاست های اتخاذ شده از طرف احزاب چپ رفرمیست و اتحادیه های کارگری، عملاً کنترل کارگران بر واحد های تولیدی را نه تنها تحت تاثیر خود قرار می دادند بلکه خوگردانی و مدیریت کارگران را در همان محدوده هم تهدید میکردند.

این نشان می دهد که هر چند در انتخابات بیشترین آراء را احزاب چپ بدست آورده بودند ولی چون دولت در ساختار نظام سرمایه داری کارکرد داشت و قدرت سیاسی توسط کارگران مورد کنترل و نظارت قرار نداشت، دست موسسات مالی و مراکز توزیع برای به شکست کشاندن جنبش کارگران پرتغال، کاملاً باز بود و حتی مدیران و صاحبان پیشین این کارخانه ها و واحد های تولیدی که توسط کارگران بیرون انداخته شده بودند، به مرور زمان سر جای خود بازگشتند.

این نوع نگاه (مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه) را میتوان در شرایط کنونی هم در بین فعالین کارگری دید، بطور نمونه روبن داریولینا عضو اتحاد ملی کارگران ونزوئلا در ارتباط با همکاری در مدیریت در هر دو بخش دولتی و خصوصی در ارتباط با تجربه کارگران این کشور می گوید: " در بخش خصوصی وقتی صاحب کارخانه تصمیم می گیرد کارخانه اش را تعطیل کند، ما می گویم هر کارخانه ای که بسته شود باید کنترل آن در دست گرفته

کرد. بقول مارکس: " آنچه باید مورد بررسی قرار گیرد، یک جامعه کمونیستی است، جامعه ای که بر پایه ی خود نروئیده است، بلکه برعکس از درون جامعه سرمایه داری بیرون آمده و ناچار در تمام زمینه های اقتصادی، اخلاقی و فکری، هنوز علائم ویژه ی جامعه کهنه را که از بطن آن زاده شده، داراست."

مشخصا در بررسی و برشمردن تجارب کارگران در امور شواری و اعمال کنترل کارگری در تمامی کشور های جهان این نکته اساسی که هر کشور بدلیل متفاوت ساختار محیطی - فرهنگی (جغرافیا، روند رشد اقتصادی - اجتماعی)، روند و نتایج این عمل میتواند متفاوت باشد را در نظر داریم. اما این نکته اساسی دیگر هم در نظر داریم که چون سرمایه کارکردی فرا ملی دارد، بنابراین در خیلی از زمینه ها نقاط مشترکی برای استفاده از این تجارب وجود دارد. در مورد کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته و پیشرفته صنعتی، به سبب موقعیت ساختار اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه شوراها در مقاطع بحرانی سر بر می آورند ولی بعد از مدتی کوتاه تقریبا همه آنان عملا قدرت خود را به سرعت و یا بتدریج از دست می دهند. در کنار دلایل ساختاری، عوامل ذهنی همچون فرهنگ مبارزاتی طبقه کارگر، احزاب چپ و تشکلات کارگری، در این ارتباط تاثیر گذار هستند. در شرایط بحرانی انقلابی زمانی که شوراها سر بر می آورند و کنترل کارخانه ها را به عهده میگیرند، در واقع سیستم تقسیم کار سلطه گرانه را بعهد میگیرند و اگر نتوانند آنها را تغییر دهند و خود را متحول کنند، یعنی شوراها کارگری قدرت واقعی خود را باز بازتولید نکنند، مشخصا همان مناسبات سلطه گرایانه را باز تولید خواهند کرد.

این نمونه ها و نمونه های مشابه آن که در شماره های پیشین نشریه کنترل کارگری به آنها پرداخته شد و در شماره های آینده هم نمونه های دیگر را مورد بررسی قرار خواهیم داد، نشانگر این واقعیت است که طبقه کارگر برای رسیدن و بواقعیت تبدیل کردن خواسته های اساسی خود، نیاز دارد که قدرت سیاسی را کسب کند. این طبقه کارگر است که با همراه کردن اقشار و لایه های پایین جامعه و احزاب چپ کارگری در مسیر مبارزه و با رشد خود، به رشد و شکوفایی سیاسی - اقتصادی، وظایف انسانی و سوسیالیستی خود با برانداختن نظام سرمایه داری، در جامعه می تواند جامه عمل بپوشاند.

روشنی

۳۰ بهمن ۱۳۹۲

سندیکاهای زرد و انجمن های تعاونی تولید کنندگان که توسط دولت ایجاد میشوند، جای مبارزه طبقاتی را با مبارزه با " معضلات اجتماعی" و یا حل " مسائل اجتماعی" حتی بدون پرداختن به عامل اصلی آن، پایین آورند. در جایی که سازمان سوسیالیستی کار باید از بطن مبارزه انقلابی کارگران بیرون بیاید، این مباحثان سرمایه سطح مبارزات کارگران را به حد بی شرمانه ای به سطح تعاونی های کارگری تقلیل میدهند. این گونه نظرات فقط به مخیله سوسیال فرمیست ها می تواند راه یابد که بقول مارکس " که جامعه جدید را نیز مانند راه آهن، تازه می خواهند آنرا با مساعدت و وام دولت ایجاد کنند، آنها هم دولت سرمایه داری."

در شرایط انقلاب روسیه هم کارگران تلاش داشتند تا تولید اجتماعی و توزیع کالاها را تحت کنترل و نظارت شوراها نمایندگان کارگری قرار دهند. اما در همان دوران هم رهبران انقلاب به این عمل کنترل کارخانه توسط شوراها کارگری بشکل یک دوره انتقالی در شرایط پس از انقلاب نگاه میکردند. چون تجربه مدیریت صنعتی، تولید و توزیع همیشه در اختیار مدیران سرمایه داری بوده است و کارگران در امر مدیریت تجربه ای ندارند پس با اعمال کنترل و نظارت توسط شوراها کارگری در کارخانه ها، این مدیریت برجای می ماند تا در واقع کارگران به کسب این تجارب نائل شوند. ای. اچ. کار نویسنده کتاب تاریخ روسیه شوروی در این ارتباط مینویسد: " کارگران بعضی از شهرها مجبور شدند صاحبکارانی را که از شهر بیرون کرده بودند، بازگردانند. " در این شرایط کنترل کارگری وسیله ای شده بود برای پاسخگویی به این نیاز و کنترل و نظارت بر عوامل سرمایه داری که در مقام های مدیریتی خود ابقا شده بودند. از دید رهبران انقلاب روسیه: " کنترل کارگری سیاست موقتی بود به منظور عبور انقلاب از سخت ترین دوره خود. نقش دو گانه این کنترل عبارت بود از محدود کردن تدریجی قدرت بورژوازی در حالی که همزمان، کارگران را برای مدیریت صنایع آماده می کرد." این نگاه، به مسئله نقش کارگران در قدرت سیاسی، نگاهی محدود دارد و نقش اعمال قدرت سیاسی کارگران از طریق شوراها خود و بشکل مستقیم در اداره کشور را نادیده میگیرد. این طرح آن روی دیگر مسئله را در مورد کارگرانی که برای مدیریت صنعتی و اجرائی تربیت می شوند را در نظر نمی گیرد که مدیریت صنعتی خود یک مشخصه نظام سرمایه داری است و جامعه جدیدی که از پس انقلاب بوجود میاید بر پایه همان ساختارها شکل میگیرد، بنابراین اگر کارگران بطور مستمر و از طریق شورهای خود کنترل مداوم نداشته باشند، یعنی قدرت واقعی شوراها را بازتولید و شرایط تقسیم کار سلطه گرانه را متحول نکنند، همان مناسبات گذشته را بازتولید خواهند



اشغال، مقاومت، تولید

تجربه کنترل کارگری در شهر تسالونیک در یونان

از آن لحظه تا کنون ما در حال نبرد برای پیشبرد تصمیم مجمع عمومی هستیم. ما با استفاده از ابزار تولیدی که از ما سلب مالکیت شده بود، موفق به تولید محصولات برای امرار معاش شده ایم.

از آن زمانی که وارد کارخانه شده و کارهای نخستین برای راه اندازی این مکان را انجام میدادیم، در کنار خود جنبش جهانی و حمایت تشکلهای گوناگون کارگری و فعالین مبارزات اجتماعی را داشتیم، در نتیجه نه تنها ما در حفظ کرامت خود و خانواده هایمان موفق شدیم، بلکه با شور و قدرت به مبارزه خود ادامه میدهیم.



پس از رها کردن کارخانه در کارخانه ویومی که توسط مدیریت سرمایه در شهر تسالونیک کشور یونان اداره می شد، کارگران تصمیم به ادامه تولید تحت مدیریت خود گرفتند و بدین سان تبدیل به یک سمبل قدرتمند بدیل اقتصادی بر خرابه های رو به گسترش سرمایه داری اروپا شدند. پس از رویکرد کارگران به اعتصاب و اشغال کارخانه در ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ و بازگشایی دوباره آن، شروع به تولید، تحت ایده کنترل کارگری کردند. برای بسیاری از مردم، کارخانه ویومی یک سبک بالقوه جدید و پیشرویی را برای کارگران بیکار در یونان ارائه داده است. شیوه ای که کارگران با تصرف ابزار تولید، چرخاندن چرخ کارخانه بدون کارفرمایان، برای تولید کالاهای ضروری مورد نیاز جامعه و توزیع آنها از طریق شبکه های همبستگی دست یازیده اند.



فراخوان برای روز همبستگی با کارگران ویومی
همکاران و رفقا در جنبش جهانی

در شرایط کنونی که ما از جهات مختلف مورد حمله قرار گرفته ایم، از حکومت میخواهیم که دست به حل مسئله عملیاتی کردن کارخانجاتی که به حال خود رها شده بردارد. در این مسیر ما قادر خواهیم بود که توزیع محصولات خود را که از مواد اولیه طبیعی هستند به همه خانواده ها برسانیم. بنابراین، ما قادر خواهیم بود که برای باز نگه داشتن کارخانه و کمک به سلامت کل جامعه کمک کنیم.

در این لحظه مقامات قضایی در صدد هدف قرار دادن پروژه ویومی هستند. بنابراین ما به حمایت سیاسی تمامی تشکلهایی که به هر طریق ممکن همانند انتشار قطعنامه و دیگر فعالیت ها میتوانند از حرکت ما اعلام پشتیبانی کنند، میباشیم.

ما یکپارچه نیرو و صدایمان را در روز دوشنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۱۳ با هم پیوند زدیم و با تبادل تجربیات در فضای مجازی با اردوی جهانی کار و گروههای فعال در مبارزات اجتماعی برای بدست آوردن مدیریت تولید بوسیله خود تولیدکنندگان، مبادرت ورزیدیم. از این روی همکاران و رفقای ما دیگر شرایط بردگی گذشته را حتی اگر آن را در یک قفس طلایی به ما هدیه کنند نه تنها نخواهند پذیرفت، بلکه ما خواهان مبارزه برای رسیدن به آزادی کامل هستیم.

سخنان یک کارگر کارخانه ویومی: "هر گونه مازاد سودی که بدست میاوریم را به انسانهای نیازمند میدهیم، طرح ما ارائه کمک به افراد بیکار و تمامی کسانی است که نیازمند کمک میباشند"

پس از رها کردن کارخانه توسط صاحبان سرمایه، ما کارگران ویومی در جلسه مجمع عمومی خود تصمیم به راه اندازی اشتراکی کارخانه بشکل کنترل کارگری و خود مدیریتی گرفتیم.



در روز دوشنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۱۳ ما در فضای آزاد، محصولات خود را در طول روز برای توزیع عرضه کردیم، ما نیز مشترکا برای صرف غذا با هم آشپزی کرده و در عصر با موسیقی برای تمام کارخانه هایی که بشکل خود مدیریتی اداره میشوند، جشن گرفتیم .

با دروهای همبستگی از سوی کارگران ویومی

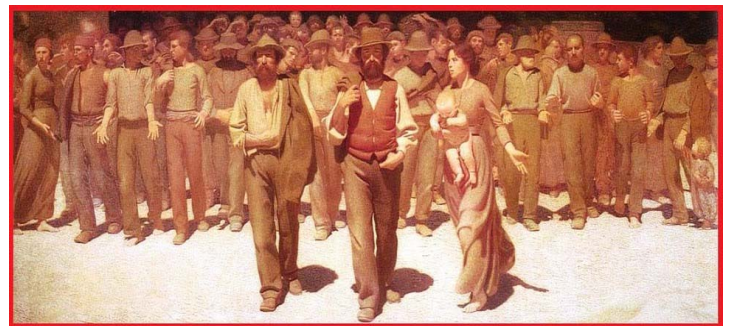
ترجمه از: ژوزف هیرکانیان

لینک منبع :

<http://www.workerscontrol.net>



اخبار کارگری



احضار ۸ کارگر معترض پتروشیمی رازی به دادگاه

تاریخ خبر ۳۰ بهمن ۱۳۹۲

غلامحسین حیدری موسی، هندی جانی، مازیار رحیم زاده، علیرضا بهادری، عادل راشدی، علی ساجدی‌نیا، فریبرز کیانی و نسیم جونکی کارگرانی هستند که با شکایت مدیریت مجتمع پتروشیمی رازی از سوی دادسرای عمومی و انقلاب احضار شده‌اند .

ابراهیم پیرایش مسئول امور اعضای خانه کارگر بندرامام با اعلام این خبر گفته است که اینان کارگرانی هستند که با شکایت مدیریت مجتمع پتروشیمی رازی از سوی دادسرای عمومی و انقلاب احضار شده‌اند.

در این رابطه، منوچهر یار احمدیان رئیس اتحادیه کارگران پیمانی بندر امام با بیان اینکه مدیریت مجتمع علاوه بر شکایت از آقای جونکی، وی را اخراج و ممنوع‌الورود به محل کار نیز کرده است، افزود: احضار شدگان از اعضای اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی بندر امام نیز هستند. دلیل شکایت مدیریت مجتمع، اعتراض کارگران به خودداری کارفرما از اجرای توافق‌نامه مربوط به افزایش حقوق و دستمزد بوده است.

وی با بیان اینکه مجتمع پتروشیمی رازی هم‌اکنون با سرمایه مالکان ترکیه‌ای تبار و مدیریت ایرانی فعالیت می‌کند، یادآور شد: چندی پیش کارگران این مجتمع در مورد افزایش دستمزدها توافقاتی انجام دادند اما از مدتی پیش مدیریت حاضر به انجام تعهدات خود نشد و در نتیجه کارگران این مجتمع صنعتی برای مدتی به اعتراضات صنفی پرداختند.

وی افزود: به همین دلیل اخیراً مدیریت مجتمع پتروشیمی رازی از کارگران یاد شده با اتهامی چون اختلال در روند تولید به دادگاه شکایت کرده است.

وی همچنین گفت: در این رویه کارفرما مدیریت و یا شرکت پیمانکاری نیروی انسانی با وارد کردن اتهاماتی چون ایجاد اختلال و یا اغتشاش در محیط کار با کارگران معترض برخورد می‌کند و در ماههای اخیر مدیران بنگاههای اقتصادی از این رویه جدید در برخورد به اعتراض های صنفی کارگری بهره می‌برند. نمونه مشابه این شیوه برخورد اقدام مدیریت پتروشیمی فجر در خصوص طرح شکایت مشابه از یکی از اهالی کارگری شاغل در این مجتمع بود.

گفتنی است ظرف یک ماه گذشته برخوردهای مشابه قضایی با کارگران معترض در معدن چادرملو یزد و پلی‌اکریل اصفهان نیز صورت گرفته است.



حقوق کارگران این واحد تولیدی از شهریور ماه امسال تا کنون پرداخت نشده و پیش از آن نیز کارگران هر ماه ۷۰ درصد حداقل حقوق خود را دریافت می‌کردند.

اولتیماتوم مدیرعامل به کارگران:

" تا پایان امروز باز خرید شوید "

تاریخ خبر ۳۰ بهمن ۱۳۹۲

مدیرعامل گروه کارخانجات تولیدی تبد با ارسال نامه‌ای به مدیر کارخانه دستور داده است که تا پایان امروز تحت شرایطی با خرید سوابق خدمت (بازخریدی) کارگران شاغل، با تمامی آنان تسویه حساب کند.

در این نامه شرایط بازخریدی کارگران بر اساس ۲ و نیم ماه بعلاوه ۵ درصد یکماه تشویقی (جمعا ۳ ماه) پایه حقوق ثابت تعیین شده است.

مدیرعامل گروه کارخانجات تولیدی تبد در این نامه متذکر شده است که در صورت مقاومت کارگران در برابر بازخرید خدمت با شرایط پیشنهادی پس از انحلال شرکت، مشمول قانون انحلال خواهند شد که پرداخت بازخریدی به مراتب کمتر خواهد بود.

عید علی کریمی دبیر خانه کارگر قزوین با غیر قانونی خواندن انحلال گروه کارخانجات تولیدی تبد، خواستار بررسی دلایل انحلال از سوی مسئولان استانی شد.

وی میگوید که انحلال این کارخانه صوری است و اضافه کرد که انحلال کارخانه تبد با ۴۹ کارگر که اکثر آنان با سوابق بالا در آستانه بازنشسته شدن هستند، خلاف قانون است.

قابل توجه است که این کارخانه وابسته به بنیاد مستضعفان است و کارفرمای ریسندگی تبد دلایل انحلال کارخانه را عنوان نکرده است. این واحد تولیدی در گذشته حدود ۴۰۰ کارگر در آن کار میکردند و از حدود سه سال پیش تعطیل اعلام شده است و در طی این مدت به مرور زمان کارگران را بازنشسته و یا بازخرید کرده اند. کارفرمای این کارخانه بیشتر در سال های ۸۴ - ۸۵ یکبار دیگر حکم انحلال کارخانه را اعلام کرده بود که با مقاومت کارگران روبرو شده بود. در آن زمان کارگران با تجمع در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان در تهران مانع انحلال این واحد تولیدی شدند اما با این وجود، حدود ۲۰۰ کارگر در سالهای ۸۵، ۸۶، و ۸۷ با معرفی به اداره کار، مستمری بگیر بیمه بیکاری شدند.

با امید به کسب قدرت همه کارگران و زحمتکشان هم در تولید - توزیع و هم در سیاست



Weblog: controlkargari.wordpress.com

E-mail: control.kargari@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم